

## توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری

سید محمود میر خلیلی\*

دکتری حقوق جزا از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۴/۲۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۷/۲۶)

### چکیده:

یکی از شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری، پیشگیری وضعی است که با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه‌های نظارت و کنترل، در صدد کاهش آمار جرم است. راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزهکاران و بخشی دیگر نیز بر حفاظت از بزه‌دیدگان تمرکز یافته است. این مقاله به استفاده از روش‌های تغییر محیط مانند به کنترل درآوردن موقعیت‌های زمانی و مکانی جرم‌زا اختصاص دارد. ضرورت دارد با بررسی موقعیت‌ها و شرایطی که در شهرها به نفع بزهکاران و بزهکاری ایجاد شده، با سلب این فرصت‌های مجرمانه زمینه تحقق جرایم را کاهش داد. ویژگی‌های خاص جوامع شهری مانند تراکم جمعیت و کاهش نظارت، شیوه‌های معماری و شهرسازی و سیاست مسکن، معضل حاشیه‌نشینی، اثرگذاری بر موقعیت‌های مکانی جرم‌زا و استفاده از قابلیت‌های محلی در پیشگیری از جرم از جمله موضوعاتی است که مورد بحث قرار می‌گیرد.

### واژگان کلیدی:

بزهکاری - پیشگیری وضعی - شهرنشینی - معماری شهری - حاشیه‌نشینی - پیشگیری محلی.

### مقدمه

موضوع کنترل بزهکاری یکی از دغدغه‌های مهم بشر در طول تاریخ بوده است. روش‌های مختلف در جهت رسیدن به این امر مهم مورد استفاده قرار گرفته که در یک تقسیم‌بندی می‌توان به پیشگیری اجتماعی، پیشگیری کیفری و پیشگیری وضعی اشاره کرد. روش اخیر مبتنی بر این ایده است که باید با تأثیر گذاردن بر محیط فیزیکی و موقعیت بزهکار و بزه دیده، با هدف دشوار یا سلب نمودن امکان وقوع جرم و کاستن از جاذبه آماج‌های آن، آمار جرایم را کاهش داد. راهبردهای این روش متنوع بوده و از تغییر روش در سیاست مسکن و ایجاد فضای قابل دفاع در ساختمان‌ها، محافظت از آماج‌ها و کنترل ابزار بزهکاری تا نظارت و کنترل بزهکار و مراقبت از بزه‌دیدگان و آموزش آنان را مد نظر قرار می‌دهد. در این مقاله یکی از موضوعات مورد بحث در پیشگیری وضعی، یعنی تغییر سیاست مسکن، معماری شهری و نظارت بر توسعه شهرها در جهت ازبین بردن موقعیت‌ها و فرصت‌های جرم‌زا بررسی می‌شود. تمرکز امکانات رفاهی در شهرها و هجوم جمعیت روستائیان به این مناطق یکی از عوامل مهم گسترش بدون برنامه شهرها بوده است. طبق اطلاعات مرکز آمار ایران نرخ شهرنشینی در ایران از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۱ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. نکته حائز اهمیت این است که مهاجرت بی رویه از اصلی‌ترین دلایل رشد نرخ جمعیت شهرنشین ایران محسوب می‌شود (علی‌پوردی نیا ص ۱۵۳).

افزایش بی‌رویه جمعیت شهری که به طور عمده ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها بوده، معضلی دیگر را به نام پدیده حاشیه‌نشینی دامن زده است. سکونت در حواشی شهرها با کمترین امکانات رفاهی و اجتماعی زمینه و موقعیت بروز بزهکاری را فراهم کرده و این مناطق با ویژگی‌های منحصر به خود مبارزه با بزهکاری در شهرها را با مشکل مواجه کرده است. ضرورت توجه به گسترش جرایم در شهرها خصوصاً از آن جهت اهمیت دارد که بخش عظیم جمعیت شهرها را مهاجران تشکیل می‌دهند که برخی از آن‌ها به دلیل عدم تطابق اجتماعی با محیط جدید، جرایم و انحرافات فراوانی را مرتکب می‌شوند.

در این مقاله ابتدا به بیان موقعیت خاص جوامع شهری، ویژگی‌های اجتماعی زندگی در شهر و پیامدهای منفی افزایش جمعیت و گسترش بی‌رویه شهرها می‌پردازیم. سپس معماری شهری و ایجاد فضاهای قابل کنترل، تأثیر سیاست‌های مسکن بر کاهش یا افزایش جرم، حاشیه‌نشینی و روش‌های رفع این معضل را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت به مباحث راجع به محله‌ها و نهادهای محلی، نگهبان محله و نحوه مشارکت مردم در تأمین امنیت محله‌ها خواهیم پرداخت.

### گفتار اول: موقعیت خاص جوامع شهری

نرخ رشد سالانه جمعیت در بیشتر کشورهای جهان سوم معادل ۲ تا ۳ درصد است و این در حالی است که نرخ رشد شهر نشینی تقریباً دو برابر این مقدار است. علت افزایش رشد شهرها هجوم امواج عظیم جمعیت مهاجران بیکار روستایی است. روستاهایی که به دلیل مشکل کمبود اشتغال و درآمد، دیگر توانایی حفظ جمعیت خود را ندارند و نتیجه آن فرار مردم و سکنه آن‌ها به سوی شهرهاست. این افراد به صورت آلودگی نشین، زاغه نشین در هر گوشه و کناری سکنی می‌گیرند و برخی از ایشان نیز در پیاده‌روها و زیر پل‌ها روزگار می‌گذرانند (کورا، ۱۳۸۴، ص ۱). طبق آمار اینترپول به نقل از دادگاه اروپا در موضوع امنیت شهرها، نرخ جرایم ملی به ازاء هر هزار نفر سکنه را با نرخ جرایم در شهرهای بزرگ مقایسه می‌کند و این نتیجه به دست می‌آید که معمولاً نرخ جرایم شهرهای بزرگ نزدیک به دو برابر نرخ جرایم ملی هستند (Shaftoe, 2001, p.58).

این برتری نرخ جرایم در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ که در آمارها و پژوهش‌ها خود را نشان می‌دهد به دلیل ویژگی‌های خاص این‌گونه جوامع است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### الف: وضعیت محیطی شهرها

زندگی شهری ویژگی‌های خاص خود را دارد به نحوی که گاهی این ویژگی‌ها زمینه ساز بروز انحرافات و بزهکاری بیشتر می‌گردد. برخی ویژگی‌های جوامع شهری و مدرن که در شناسایی وضعیت کجروی و انحرافات مورد توجه واقع می‌شود به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- بی‌نامی و گمنامی در شهر: این ویژگی بیانگر قشرهای مختلف است که در یک منطقه شهری زندگی می‌کنند و کمتر همدیگر را می‌شناسند. افراد در چنین مراکزی کمتر با هم در تماس هستند و در مواردی نیز بدون این که با نام یکدیگر آشنایی داشته باشند با هم ارتباط هستند. اگر آمار جرایم روستایی پایین‌تر از نرخ جرایم شهری است؛ این امر نه به دلیل مناسب‌تر بودن اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها نسبت به شهرهاست بلکه به دلیل همگونی و یکپارچگی فرهنگی موجود در روستاهاست، به نحوی که اگر فردی مرتکب جرم شود باید نسبت به آحاد مردم محله پاسخگو و شرمنده باشد و چه بسا این خاطره ارتکاب جرم وی تا سال‌ها در ذهن افراد بماند. همین امر به عنوان رادع و مانع بزرگی بر سر راه ارتکاب جرم است. متأسفانه در شهرهای بزرگ گمنام بودن خود یک عامل موثر در ازدیاد بزهکاری است.

- ۲- فردگرایی:** صنعتی شدن و زندگی همراه با تخصص و غرق شدن فرد در زندگی شلوغ و متراکم شهری سبب شده تا پدیده فردگرایی در نقاط شهری هر چه بیشتر افزایش یابد. شهرنشینان عموماً از خانواده خود و نظام ارزشی گذشتگان پیروی نمی‌کنند و بدین‌گونه ارزش‌هایی جدید را جستجو می‌کنند که هر چه بیشتر فردگرایی را در آن‌ها تقویت کند. تحت تاثیر شرایط پیچیده شهری و رشد فردگرایی بین شهرنشینان، احساس همدردی با جامعه شهری توسط شهرنشینان کاهش می‌یابد. نهاد خانواده در جامعه شهری دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد؛ به این معنا که ارزش‌های عاطفی، حس همدردی و تعاون بین افراد و اعضای خانواده‌ها در نقاط شهری به حداقل خود کاهش می‌یابد.
- ۳- بحران مسکن:** یکی دیگر از مشکلات زندگی شهری بحران مسکن و کاشانه است که در پی رشد سریع جوامع شهری به اشکال مختلفی بروز کرده است. این پدیده که عمدتاً ناشی از مهاجرت بی رویه و افزایش جمعیت است، بیشتر دامنگیر اقشار ضعیف‌تر در جامعه است.
- ۴- فاصله طبقاتی:** یکی از مشخصات بارز جوامع شهری فاصله طبقاتی زیاد است. در این گونه جوامع ثروتمندان از سطح زندگی بالا و تسهیلات فراوانی برخوردارند، در حالی که طبقات متوسط و پایین در نقاط شهری با مشکلات گوناگونی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، اسکان، وضعیت فرهنگی و نظایر این‌ها مواجه هستند.
- ۵- بیکاری و بحران اشتغال:** بیکاری و بحران شغل نیز تا حد زیادی در جوامع شهری تحت تاثیر پدیده مهاجرت و افزایش بی رویه جمعیت به وجود می‌آید. بیکاری هم به لحاظ این که موجب فقر و مشکلات مالی و اقتصادی است به عنوان ریشه و علت بزهکاری مطرح است و هم به عنوان ایجاد کننده فرصت موقعیت ارتکاب جرم مورد توجه مباحث راجع به پیشگیری وضعی است. در شهرهای بزرگ به همان اندازه که ضریب اشتغال بالاست و زمینه کار مساعد است، به همان اندازه نیز نرخ بیکاری زیاد است.
- ۵- سستی در زمینه‌های اخلاقی:** در پی موارد فوق الذکر و خصوصیت‌های یاد شده زندگی شهری، ویژگی‌های فردی، رفتار افراد و به طور کلی مجموعه ارزش‌های اخلاقی افراد و اعضای جامعه نیز در نقاط شهری تحت تاثیر قرار می‌گیرد. همین‌طور بسیاری از ممنوعیت‌های اخلاقی، فرهنگی و ویژگی‌هایی از این قبیل تا جایی که به زندگی خانوادگی، زناشویی و نظایر آن‌ها مربوط می‌شود، در جوامع شهری سست و ضعیف می‌شود.
- ۶- بی سازمانی اجتماعی:** از هم گسیختگی و عدم سازمان‌دهی در موارد زیادی در نقاط شهری بزرگ و تازه شهری شده به چشم می‌خورد. این وضعیت موجبات نارضایتی، از دست دادن سلامت جسمی و روانی افراد گردیده و تنش‌ها و برخوردهای گوناگونی بین اعضای جامعه به طوری ملموس مشاهده می‌شود.

۷- ویژگی‌های مربوط به زندگی زناشویی: در جوامع شهری عموماً تشکیل خانواده و ازدواج دیرتر و در سنین بالاتر اتفاق می‌افتد. همین امر سبب می‌گردد تا تجرد در جامعه نسبت بالایی را به خود اختصاص دهد. فقدان شرایط ازدواج هم به لحاظ وضعی و هم اجتماعی منشأ بسیاری از معضلات و انحرافات اجتماعی است. آمار بالای طلاق و افزایش اختلافات خانوادگی از دیگر خصوصیات جوامع شهری است.

۸- آمار بالای جرایم: در نتیجه شرایط یاد شده و ویژگی‌های جامعه شهری انواعی از جرایم در جوامع شهری به چشم می‌خورد. کالین و دوبوی (Chaline and Dubois) با توجه به درصد بالای بزهکاری در شهرها ضمن تحقیقی راجع به وضعیت شهرنشینی و توسعه آن به این نتیجه رسیدند که توسعه شهرنشینی ضمن اینکه نشان دهنده بسیاری از عوامل مثبت در زندگی یک جامعه می‌باشد، باعث به وجود آمدن مشکلات بسیاری از جمله بزهکاری است. در خصوص رابطه میان سکونت در مناطق شهری و ارتکاب جرایم تردیدی نیست چنان که بیشترین ورودی کانون‌های اصلاح و تربیت را ساکنین شهرهای بزرگ تشکیل می‌دهند و بیشتر بزهکاران در مناطق حاشیه نشینی و پر جمعیت سکونت داشته و بیشترین ورودی‌های کانون‌های اصلاح و تربیت با توجه به نوع جرم مرتکب شده‌اند (Shaftoe, 2001, p.51).

### ب: افزایش جمعیت شهری و کاهش نظارت عمومی

افزایش بی‌رویه جمعیت می‌تواند از عوامل بروز جرم باشد. گزارش سازمان ملل تحت عنوان وضعیت جهان در سال ۱۹۹۰ حاکی از آن است که جمعیت دنیا سریعتر از آنچه انتظار می‌رود رو به فزونی است. هم اکنون در هر ثانیه سه نوزاد متولد می‌شود و به این ترتیب روزانه ۲۵۰ هزار نفر به جمعیت کره خاکی افزوده می‌گردد؛ متأسفانه این افزایش بیشتر در کشورهای فقیر دیده می‌شود. از این رو جهان به خصوص مناطق شهری با " انفجار جمعیت " روبروست. در دنیایی که حتی قادر به تامین بیش از نیمی از نیازهای اساسی جمعیت خود به خصوص در کشورهای رو به توسعه نیست، چگونه می‌توان انتظار داشت رشد بی‌رویه جمعیت فاجعه‌ای برای نوع بشر نباشد؟ (ستوده، ۱۳۸۴: ص ۶۳).

جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم شدنش تسلط کمتری بر فرد دارد و در نتیجه، دیگر به خوبی گذشته قادر نیست گرایش‌های ضد اجتماعی را که پیدا می‌شوند، مهار کند. برای پی بردن به این مطلب کافی است شهرهای بزرگ را با شهرهای کوچک مقایسه کنیم. در روستاها یا شهرهای کوچک هر کس بخواهد از عادت‌های مردم تخلف کند با مخالفت‌هایی که گاهی نیز شدید است روبرو می‌شود، هر کوششی برای استقلال عمل و رفتار در حکم رسوایی و بی‌آبرویی در چشم مردم است ولی به عکس در شهرهای بزرگ افراد معمولاً بیشتر

از قید عمومی آزادند؛ این امری است که در تجربه ثابت می‌شود و در اعتبار آن نمی‌توان تردید داشت. علت آن که هر قدر نظارت عمومی بر اعمال و رفتار ما بیشتر باشد وابستگی ما نیز بیشتر است. آنجا که چشم همگانی ناظر بر اعمالی است که هر کس انجام می‌دهد، کمترین انحرافی از نظرها مخفی نمی‌ماند و بی‌درنگ مذمت و حتی سرکوب می‌شود.

این تصور کلی دورکیم که با صنعتی شدن و شهرنشینی ممکن است بی‌سازمانی اجتماعی به وجود آید، با مطالعه‌ای که توسط هیرشی (Hirshi) روی نمونه‌ای از کشورهای که در مراحل متفاوتی از توسعه هستند انجام گرفته، مورد تایید واقع شده است. هیرشی، به این نتیجه رسید، زمانی که یک جامعه بیشتر صنعتی می‌شود و تنوع بیشتری پیدا می‌کند، علقه‌های اجتماعی که باز دارنده رفتارهای جرم‌زا هستند دیگر موثر نخواهد بود (دورکیم، ۱۳۶۹: ص ۳۱۸).

### گفتار دوم: معماری شهری و پیشگیری

برخی جرم‌شناسان روشی را مورد توجه قرار داده‌اند که در آن طراحی ساختمان‌ها و معماری شهری می‌تواند بر نرخ بزهکاری تاثیرگذار باشد. استدلال آنان این است که فقدان فضای قابل دفاع یا نظارت در معماری ساختمان‌ها می‌تواند موجب رواج انحرافات و بزهکاری گردد. این‌گونه نظریات راجع به ساختمان‌ها و نحوه طراحی آن‌ها به عنوان یک نظریه ابتدا توسط نیومن (Newman.Oscar) که یک مهندس معماری بود مطرح گردید. وی طراحی ساختمان‌هایی که به صورت مجتمع ساخته شده بودند را به دلایل مختلف مورد انتقاد قرار داد و ادعا کرد که چنین مجتمع‌هایی به خاطر داشتن ورودی و خروجی‌های متعدد و محوطه‌های عمومی و کنترل نشده از سایر انواع ساختمان‌ها در برابر جرایم پذیرترند.

آن چه در معماری شهری به طور ویژه مورد توجه و اهمیت است، نخست فضاهای عمومی مناسب و قابل کنترل و رؤیت است، دوم این که سیاست خانه‌سازی و نحوه طراحی ایمن منازل مسکونی و اماکن تجاری تحت یک سیاست منطقی و مطالعه شده باشد.

### الف: ایجاد فضاهای قابل کنترل و رؤیت

بعضی از مناطق، به طور طبیعی دارای قابلیت دید زیادی بوده در حالی که سایر مناطق، از قبیل مناطقی که دارای خیابان‌های کم نور یا تونل‌های عابر پیاده و کوچه‌های بن بست هستند، ممکن است چنین قابلیت را نداشته باشند. اگر مجرمین بالقوه فکر کنند که در معرض دید قرار دارند، احتمال وقوع بزهکاری کمتر می‌شود. می‌توان امکان نظارت بیشتر را از طریق تغییر ماهرانه محیط زیست، طراحی، تعیین محل و ترتیب قرار گرفتن ساختمان‌ها و فضای اطراف آن‌ها به روش‌های بسیار گوناگون فراهم آورد. نیومن مستقیماً تغییرات طراحی را به کاهش

جرائم مرتبط کرد. او مفهوم فضای قابل دفاع را توسعه داد به طوری که مکان‌ها و فضاها در شهر را مد نظر قرار می‌داد تا در معرض مشاهده و کنترل محلی باشند و از وقوع جرائم فرصت طلبانه جلوگیری شود. این دیدگاه حتی ادعا می‌کند که طراحی محیطی این قابلیت را دارد تا یک احساس پنهان وابستگی محلی را در میان ساکنین پروراند که در نتیجه ممکن است آن‌ها را علیه مجرمان و اقدامات مجرمانه در جامعه محلی خود تشویق کند. (Burrows, 1980: p.134).

اکنون به برخی از نمونه‌ها و تدابیری که توسط محققان پیشگیری وضعی مورد توجه قرار گرفته و در کنترل یا قابل دید نمودن فضاها و کاهش احتمال بزهکاری موثرند اشاره می‌کنیم:

۱- خصوصی‌سازی و انفرادی کردن فضاهای عمومی و نیمه عمومی درون و اطراف بلوک‌های مسکونی، مثلاً از طریق نصب پارتیشن در بالکن‌ها، راهروها و انبارهای زیر زمینی و تبدیل گلخانه‌های عمومی به باغچه‌های خصوصی؛ بستن و قفل کردن درب‌های ورودی بلا استفاده یا غیرضروری در بلوک‌های مسکونی و از بین بردن راه‌هایی که فرار را آسان می‌کنند.

۲- کوتاه کردن یا حتی تخریب راهروهای داخلی، بالکن‌های قابل دسترسی و معابر مسقف.

۳- افزایش میزان نظارت بر ورودی‌ها و معبرهای مسقف، پارکینگ‌های اتومبیل، گاراژهای زیرزمینی، مناطق بازی، تسهیلات همگانی و راه‌ها، شامل افزایش روشنایی در هر دو قسمت داخلی و خارجی و استفاده از تلویزیون‌های مدار بسته در صورت ضرورت.

۴- طراحی ساختمان‌ها و زمین‌های اطراف آن‌ها به نحوی که داخل و خارج منطقه، از راه پنجره‌ها و سایر نقاط مسلط به راحتی قابل رؤیت باشد.

۵- ترغیب فعالیت در مناطقی که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند فراهم آوردن نیمکت در مناطق بازی، امکانات و تسهیلات برای جوانان (مثلاً نمایشگاه‌ها، امکانات و سالن‌های ورزشی و غیره).

۶- در کنار هم بودن محل عبور وسایل نقلیه و افراد پیاده، بجای تفکیک کامل آن‌ها.

۷- به طور کلی ساختمان‌ها و محیط اطراف آن‌ها باید از خیابان و ساختمان‌های مجاور به راحتی قابل رؤیت باشد و فرصت‌های مناسب برای پنهان شدن در نزدیکی و داخل محل سکونت باید به حد اقل برسد.

از بین بست‌ها و نصب دقیق نرده و سایر موانع باید به حدی استفاده کرد که اطمینان حاصل نمود افراد ناشناس از امکان دسترسی به یک منطقه و فرار از آن مایوس می‌شوند. استفاده از زمین‌های بازی باید افزایش یافته تا تعداد چشم‌ها در خیابان‌ها افزایش و نظارت فزونی یابد (Bennet, 1984: p.97).

کلارک در مورد پیشگیری وضعی از جرم از طریق طراحی محیطی معتقد است جرم و تخریب در بلوک‌های آپارتمان‌ها با به کارگیری آیفون‌های تصویری یا قرار دادن نگهبان در ورودی آپارتمان‌های بزرگ به شدت کاهش می‌یابد. برخی شرایط و ویژگی‌هایی که از دیدگاه وی منشأ جرم بوده مانند ارتفاع و وسعت زیاد مناطق مسکونی که موجب تراکم بی‌رویه جمعیت می‌شود، دسترسی آسان افراد خطرناک به داخل ساختمان‌ها، مقررات عبور و مرور آسان که داخل ساختمان‌ها را به هم وصل می‌کند و تمرکز زیاد خانواده‌های پر جمعیت در یک ساختمان بیان گردیده است (Clarke, 1984: p.10).

رعایت نکات ایمنی در ساخت و سازهای شهری اهمیت دارد. با ساخت مجتمع‌های تجاری در یک محل و استفاده از شبگرد و نگهبان ضریب حفاظتی آن اماکن کاملاً حفظ می‌شود. اگر منزل در شهرها طوری ساخته شود که برای دخول به آپارتمان‌ها عبور از جایگاه سرایدار ضروری باشد، خیلی از سرقت‌ها و دیگر جرایم روی نخواهد داد. اجبار به احداث پارکینگ برای منازل نوساز، به خصوص در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی از جمله اقداماتی است که علاوه بر جلوگیری از سرقت وسایط نقلیه باعث وجود ترافیکی روان در خیابان‌ها خواهد شد (هاتفی اردکانی، ۱۳۸۱: ص ۱۳۱).

### ب: پیشگیری از طریق سیاست مسکن

برخی کارشناسان معماری معتقدند معماری باید علاوه بر مطلوبیت فضا و زیبایی، به ایجاد احساس امنیت پاسخ مناسب بدهد. متخصصان شهرسازی با نگرشی عمیق به شهرهای بزرگ اظهار می‌دارند در این گونه شهرها شاهد بی‌هویتی و یکنواختی در سیمای شهر هستیم که به ایجاد محیط‌های کسل‌کننده منجر شده و انواع آلودگی‌های زیست محیطی نیز فضای کلی شهر را کدر و غیر قابل تحمل کرده است. برخی کارشناسان معماری و شهرسازی این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که امروزه معماری شهرهای بزرگ، احساس امنیت را از بین برده است (پیز، ۱۳۸۳: ص ۱۳۹).

تصور می‌شود علی‌رغم انتقاداتی که به رویکرد نیومن وارد شده است، این طرز تفکر جذابیت خود را حفظ کرده است زیرا توصیه‌ای که راجع به پیشگیری از بزه می‌کند، می‌تواند عملی شود و در مواردی هم عملی شده است (Hope, 1986: p.18).  
در این جا لازم است به مباحثی راجع به ارتباط مسکن و بزهکاری اشاره کنیم:

### ۱- طراحی ساختمان و ایمن سازی آن در مقابل جرم

در برخی از کشورها قوانینی به تصویب رسیده است که شرایط ایجاد سطوح مختلف امنیتی انواع گوناگون اموال و نیز راهنمایی‌هایی را برای مهندسين ساختمان و احداث کنندگان



بنا، در ارتباط با امنیت ساختمان‌ها، به تفصیل بیان می‌نماید. برخی پژوهش‌ها اطلاعاتی درباره نحوه ایجاد سطوح مختلف امنیت در بناها با انواع گوناگون مصالح مانند درب و پنجره، تنظیم و استانداردهایی را برای مهندسين ساختمان، احداث کنندگان بنا و غيره در مورد امنیت ساختمان، ارائه نموده و تاکید داشته است که چنین استانداردهایی با پیشگیری از آتش‌سوزی و رعایت سایر نکات ایمنی در تعارض نباشد؛ این مطالعات نشان داده است که پیشرفت‌های امنیتی در ۷۵۰ خانه، تاثیر مستقیم بر میزان سرقت از منازل داشته است. پیشرفت‌های تکنولوژی، به نحوی فزاینده، راه‌های پیچیده تقویت آماج‌ها را از طریق استفاده از وسایل امنیتی‌ای که روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند، به وجود می‌آورد (Poyner, 1987: p.67).

«پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، که معمولاً با علامت اختصاری «CPTED»<sup>۱</sup> به آن اشاره می‌شود، اخیراً مورد توجه زیادی قرار گرفته است. این رویکرد منجر به این شده که در نیروهای پلیس بریتانیا پست‌های تخصصی از افسران رابط به وجود آید که در زمینه طراحی ساختمان‌ها و اماکن عمومی به منظور کاهش کشش آن‌ها برای جرایم و بی‌نظمی، به ویژه سرقت مشاوره می‌دهند.

## ۲- آپارتمان‌نشینی و بزهکاری

یکی از عوامل بزهکاری در زندگی شهری تراکم انبوه جمعیت در محله‌های با وسعت بسیار کم است. تحقیقات میدانی گوناگونی نشان داده که نوجوانان بزهکار، بیشتر از مجتمع‌های مسکونی برخاسته‌اند تا نوجوانانی که در منازل فردی سکونت دارند بررسی‌های گوناگون در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که نوجوانان بزهکار به طور نسبی غالباً از مجتمع‌های مسکونی و خانه‌های با مساحت کم بوده‌اند (بوئر و روفر، ۱۳۸۲: ص ۲۹).

## ۳- توصیه‌های کمیته مامور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری فرانسه

برخی توصیه‌های در گزارش کمیته مامور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری فرانسه که تحت ریاست آلن پرفیت انجام شده ارتباط بین شهرنشینی، معماری شهری، طراحی ساختمان‌ها و موضوع بزهکاری را مورد توجه و تاکید قرار داده است.

توصیه می‌شود سیاستی اتخاذ گردد که به موجب آن سیاست، جمعیت شهرهایی که هنوز به حد ۵۰۰۰۰۰ نفر نرسیده از این رقم تجاوز ننماید. برای وصول به این اهداف و جلوگیری از گسترش نسنجیده شهرها، ضروری است که در کنار شهرها و در آن سوی کمربند سبز، شهرک‌ها و شهرهای اقماری مانند‌ی به وجود آید تا جمعیت اضافه در آن‌ها اسکان داده شوند.

1. Crime prevention Through Environmental Design. (CPTED).

در توصیه شماره ۱۷ کمیته مزبور آمده است: به منظور جلوگیری از عزلت و گوشه‌گیری ساکنین اولیه شهر در اثر گسترش آن، پیشنهاد می‌شود که به ساختن شهرهای جدید اقدام گردد. برای ساختن این شهرهای جدید نیز بهتر آن است که عمل شهرسازی به طور تدریجی انجام گیرد، بدین بیان که در ابتدا محله‌هایی بین ۵ تا ۱۰ هزار نفر جمعیت ساخته شود. این کمیته در ادامه بیان می‌دارد از آن‌جا که عصبانیت ناشی از سر و صدای همسایگان و کارگاه‌ها یکی از عوامل خشونت و بزهکاری است، لذا پیشنهاد می‌شود که در ساختن منازل و کارگاه‌ها ترتیبی اتخاذ گردد که سر و صدای ساکنین منازل یا سروصدای کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به خارج سرایت ننموده و مزاحمت همسایگان را فراهم ننماید. به علاوه ضروری است که مقررات مربوط به «سر و صدای مزاحم» عمومیت یابد و شامل کلیه موارد و حالات گردد (پرفیت، ۱۳۷۸: ص ۶۹-۵۱).

#### ۴- نقش مسکن از نگاه سیاست جنایی اسلام

در سیاست جنایی اسلام به ساخت منازل وسیع و دارای مساحت کافی توصیه شده و گاهی منابع دینی سعادت انسان یا شقاوت و انحراف او را با این امر مرتبط دانسته‌اند. پیامبر گرامی اسلام در این خصوص می‌فرماید: «از موجبات سعادت و نیکبختی انسان مسلمان داشتن محل سکونت وسیع و مناسب است» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ص ۵۸۸). امام باقر (ع) نیز در روایتی بدبختی و شقاوت زندگی را با تنگی و کم وسعتی منزل مرتبط دانسته‌اند (برقی، ۱۴۱۴: ص ۶۱۱). موضوع مسکن در آموزه‌های اسلامی تا آن‌جا مورد توجه و اهمیت واقع شده که فقها و مراجع در فتاوی خود این گونه عنوان نموده‌اند که انسان مستطیع که حج بر او واجب شده می‌تواند تا قبل از ایام حج با خریدن خانه وسیع و مناسب خود را از استطاعت خارج و به حج که یکی از واجبات مؤکد در اسلام است نرود، در حالی که برای بسیاری از امور دیگر چنین مجوزی نمی‌دهند (کلپایگانی، ۱۴۱۳: ص ۱۱). مرتبط کردن موضوع مسکن و ساختمان با سعادت و شقاوت انسان و انحرافات و کجروی‌های اجتماعی از توجه ویژه سیاست جنایی اسلام به این موضوع مهم حکایت دارد که با این بیان توصیف شده است.

#### گفتار سوم: حاشیه‌نشینی و بزهکاری

حاشیه‌نشینی از آن جهت که در بر دارنده فرصت‌ها و موقعیت‌های فراوان ارتکاب جرم است مورد توجه پیشگیری وضعی قرار می‌گیرد. این پدیده مشتمل بر معضلاتی مانند وجود خرابه‌ها، کارگاه‌های متروکه و سایر اماکن مناسب برای ارتکاب جرایم، نا مساعد بودن شرایط

بهداشتی، مسکن نامناسب، کمبود امکانات تفریحی و رفاهی و سایر نیازها، جمعیت متراکم، بیکاری و عدم نظارت و کنترل امنیتی کافی می‌باشد

### الف: مفهوم و شرایط مناطق حاشیه نشینی

جوامع با رشد پدیده مهاجرت به شهرهای بزرگ و نیز حاشیه نشینی و در نتیجه افزایش جرایم و کجروی‌های اجتماعی در حواشی شهرها مواجه هستند. نتایج تحقیقات نیز این موضوع را اثبات کرده است که کانون‌های جرم‌خیز ابتدا حواشی شهرها و سپس نقاط مرکزی را در بر می‌گیرد (Newman, 1989: p.57).

فقدان نظارت امنیتی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق، وجود مخروبه‌ها و فضاهای خلوت و مخفی همه باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه‌ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم‌خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه‌نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مراکز شهر می‌شوند تا کاری پیدا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دست فروشی، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و امثال آن می‌پردازند و به این ترتیب به صورت سربار در فعالیت‌های شهری در می‌آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می‌کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه، مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند (رضایی، ص ۷).

### ب: راهکارهای حل معضل حاشیه نشینی

روستاها به دلیل محدودیت در اشتغال و پایین بودن جاذبه‌ها، همیشه مهاجرفرست هستند لذا یک راهبرد کلی باید در جهت ایجاد اشتغال و کنترل جمعیت متمرکز بر این نواحی باشد. تلاش در جهت سامان‌دهی وضع سکونت حاشیه‌نشین‌ها نیز باید با چنان ظرافتی باشد که به عنوان یک عامل تشویقی برای مهاجرت بیشتر روستائیان عمل نکند. کنترل کارگاه‌های غیرمجاز تبدیل ضایعات و سایر مکان‌های متروکه و غیر متروکه یک امر مهم و ضروری دیگر است. سیاست‌های حمایتی، ایجاد ساز و کار مدیریتی کارآمد، مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی و آموزش مردمی از جمله اقدامات مناسب برای برخورد با پدیده حاشیه نشینی است. آموزش مهارت، ایجاد پایگاه‌های سلامت اجتماعی، راه اندازی مهدهای کودک و راه اندازی مراکز محله ای برای جذب معتادان از اقدامات لازم برای سر و سامان دادن به مناطق حاشیه نشین است.

باید سرمایه‌گذاری در نقاط دور افتاده و تاسیس کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در این مناطق مورد تشویق قرار گیرد تا بدین ترتیب کار متناسب برای افراد محلی فراهم شود. بخش عمده‌ای از شکل‌گیری جرم و مشکلات اجتماعی، حاصل وضعیت‌های مذکور است که می‌تواند به تشدید مشکلات اجتماعی منجر شود.

### گفتار چهارم: کنترل بزهکاری در مکان

آن‌چه مسلم است، مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند و مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود بر می‌گزینند که در آن‌ها امنیت بیشتری داشته و با ارتکاب جرم منافع بیشتری را به دست آورند. از این رو ویژگی‌ها و ساختار محیط، به ویژه محیط‌های شهری در بروز جرایم مختلف تاثیر بسزایی دارد و تغییر در این ساختارهای مکانی و شرایط محیطی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمین خواهد شد. اکنون به بیان نمونه‌هایی از راهبردهای پیشگیری وضعی جهت کنترل مکان‌های مستعد ارتکاب جرم می‌پردازیم:

#### الف: نظارت یا تعطیل و تخریب برخی اماکن جرم

وجود یک نگهبان در پارک یا سایر فضاهای عمومی علاوه بر پیشگیری از تخریب اموال عمومی به پیشگیری از بسیاری جرایم دیگر کمک می‌کند. به علاوه در موارد متعدد برای دایر کردن مکان ارتکاب جرایمی مانند شرب خمر، قمار، مراکز فساد و فحشاء امثال آن مجازات در نظر گرفته است. به موجب قانون اگر یکی از ضابطین یا مامورین صلاحیتدار از وجود این‌گونه اماکن اطلاع داشته لیکن مراتب را گزارش ندهد مجرم بوده و برای او مجازات در نظر گرفته شده است. در موارد ذکر شده قانون‌گذار در صدد کنترل مکان ارتکاب به عنوان فرصت و موقعیت مناسب برای تحقق جرم بوده است (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، مواد ۶۳۹، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۰، و ۷۱۱)

می‌هیو معتقد است که فرصت ارتکاب عمل به عنوان انگیزه و محرک به وسیله ریسکی که از سوی فرد ادراک می‌شود و نیز نتایج مورد انتظار و تجربه قبلی مرتکب در خصوص بها و حاصل عمل تعدیل شده هم به عنوان موقعیت مناسب و هم به عنوان وسوسه‌ای برای ارتکاب جرم مورد توجه واقع می‌شود. دو دسته فرصت در پیشگیری وضعی مورد توجه واقع شده است؛ دسته اول فرصت‌هایی که مربوط به افراد است اعم از مجرم و مجنی علیه و دسته دوم فرصت‌هایی که مربوط به مکان‌ها، اشیاء و شرایط مورد نظر در جرم است (صفاری، ۱۳۸۱: ص ۱۵۶).

**ب: توجه سیاست جنایی اسلام به مکان جرم**

در سیاست جنایی اسلام، مکان به عنوان یکی از عوامل خاص موثر بر بزهکاری مورد توجه واقع شده و تاکید بر تغییر شرایط آن یا بر حذر داشتن افراد از حضور در برخی مکان‌ها از جمله تدابیری بوده که در راستای پیشگیری وضعی از بزهکاری پیش بینی شده است. امام علی (ع) مکان‌های گردهم‌نشینی و وقت‌گذرانی در بازار را به عنوان یکی از عوامل ارتکاب انحراف و معصیت شمرده می‌فرماید: «از مکان‌های گردهم‌نشینی در بازار دور باش به راستی که آن‌ها جایگاه ظاهر شدن فتنه‌ها و حاضر شدن شیطان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۳۰۵).

در نمونه‌ای دیگر امام علی (ع) وقتی مشاهده کرد در بازار جمعی محلی را برای خود درست کرده و برای دیگران ایجاد مزاحمت می‌کنند دستور دادند جایگاهی که درست کرده بودند را خراب کنند. در روایات متعدد دیگر نیز آمده است که آن حضرت نشستن در معابر عمومی را به لحاظ ایجاد مزاحمت ممنوع می‌کرد و محل‌هایی را که اشخاص هرزه در آن‌جا تجمع می‌کردند را تخریب می‌کرد. (علامه هندی، ۱۴۰۹: ص ۱۵۰)

در سیاست جنایی اسلام نمونه‌های زیادی از این گونه اقدامات وجود دارد؛ جریان معروف مسجد ضرار از این نمونه به شمار می‌آید. عده‌ای از منافقان درصدد ساختن مسجدی برآمدند تا آن را محل تبانی، توطئه و وسیله معارضه با اهداف پیامبر (ص) قرار دهند. لذا علی‌رغم تاکید فراوان در خصوص ساختن مسجد و اهمیت آن، آیه شریفه‌ای راجع به موضوع نازل می‌شود و حکم تخریب منزل صادر می‌گردد (سوره توبه، آیه ۱۰۷).

**گفتار پنجم: پیشگیری محلی**

یکی از روش‌هایی که در پیشگیری وضعی مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد، استفاده از قابلیت‌های محلی برای پیشگیری از جرم است. از یک سو شناسایی محله‌هایی که متفاوت بوده و به دلیل داشتن وضعیت‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا دارای آمار بالای بزهکاری هستند، همچنین تغییر این موقعیت‌ها و تقلیل فرصت‌های جرم با اصلاح سیاست‌های محلی مد نظر است؛ از سوی دیگر استفاده از نیروهای محلی و مشارکت آنان در حفظ امنیت محله امری است که می‌تواند قدم بزرگی در جهت اجرای سیاست‌های پیشگیری وضعی محسوب شود. چگونه می‌توان وضعیت محله‌ها را در راستای کاهش آمار بزهکاری تغییر داد؟

**الف: پیشگیری از جرم از طریق توسعه محلی**

در مورد اهمیت محله از نظر معاشرت اهالی و معاضدت و کمک افراد محله به یکدیگر و تاثیر این امر در کاهش خشونت و بزهکاری لازم است سیاستی اتخاذ گردد تا در شهرها

مجدداً کلمه محله مفهوم و معنای واقعی خود را پیدا نماید و ارتباط و معاضدت بین اهالی محل برقرار شود. در اجرای این امر پیشنهاد می‌شود تربیتی اتخاذ گردد که هر محله شخصیت واقعی خود را به دست آورد. مثلاً لازم است که هر محله دارای شهردار، انجمن محل، پلیس یا نگهبان محلی و وسایل و تاسیسات مخصوص به خود باشد.

### ۱- نقش محله در بزهکاری

برخی جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان ضمن برشمردن ویژگی‌های محلات جرم‌خیز به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند و گاهی این محله‌ها را محله‌های بدنام یا محله‌های درحال توسعه اجتماعی نامیده‌اند. بیکاری گسترده، اعتیاد جوانان و وجود بزهکاری در اشکال مختلف، ترکیب قومی متفاوت، بی‌ثباتی و فقر، ترک تحصیل دانش‌آموزان و امثال آن از ویژگی‌های این محله‌های حساس یا مساله‌دار ذکر شده است (بوئر و روفر، ۱۳۸۲: ص ۲۶).

محققانی که در شهر گرونوبل فرانسه درباره مسکن، محله، شهر و ناسازگاری نوجوانان همان شهر به مطالعه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بزهکاری نوجوانان و ناسازگاری آنان یک تابع کلی است و اغلب آن را باید در محله‌هایی که از خانه‌های محقر و ناسالم تشکیل شده و کوی کارگری مشاهده کرد. یک محقق، بزهکاری نوجوانان را در شهرک ۱۲۰۰۰ نفری بررسی کرد و دریافت که بزهکاری در یک ناحیه آن سه مرتبه بیشتر از ناحیه دیگر همان شهرک است، در ناحیه‌ای که سطح جنایی آن بالاست، محیط‌های خانوادگی از نظر اخلاقی در سطح پست‌تر قرار داشتند و از سوی دیگر سطح فرهنگی در آن جا خیلی پایین‌تر بوده است. کثرت جرایم در یک ناحیه صرفاً ناشی از طبع خاص افرادی که در آنجا به سر می‌برند، نیست بلکه بعضی از شرایط خاص مسکن موجبات ازدیاد جرایم را فراهم می‌سازد (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ص ۲۷).

تحقیقات کلیفورد شاو و همکارانش در شهر شیکاگو نشان می‌دهد که تعداد زیادی از بزهکاران متعلق به محله‌هایی بودند که از نظر اجتماعی و اخلاقی فاسد بودند (ولد، ۱۳۸۰: ص ۲۰۲). بدیهی است چنانچه بزهکاران پس از ارتکاب جرم در محله‌های مساعد برای ارتکاب جرم قرار گیرند، احتمال تکرار جرم در آن‌ها بسیار افزایش خواهد یافت. در خصوص محیط حرفه‌ای نیز عده‌ای از پژوهشگران تاکید نموده‌اند که محیط کار ممکن است در کاهش انگیزه‌های فردی تحریک شده، موثر واقع شود یا با تغییر دادن آن در شکل‌گیری شخصیت فرد تاثیر گذارد (Row, 1990: p.256).

## ۲- گسترش فعالیت نهادهای محلی

با توسعه دامنه فعالیت نهادهای محلی مانند مساجد و تکایا، صندوق های قرض الحسنه، تیمها و گروه های ورزشی و فرهنگی در سطح محله و به طور کلی هر تشکل سازمان یافته رسمی و غیر رسمی دیگر، هماهنگی و همگونی و انسجام در بین مردم محله افزایش یافته و حس مسئولیت پذیری و مشارکت در طرح های پیشگیری را در آنان افزایش می دهد. برخی نهادها مستقیماً در امنیت سازی و اعمال تدابیر پیشگیری وضعی دخالت دارند مانند نگهبان محله و ستاد امر به معروف در بسیج محله ها و یا ستاد حفاظت اجتماعی که مشارکت مردم در حفظ امنیت خود را بر می انگیزد. دسته ای دیگر از نهادها اگرچه مستقیماً با موضوع پیشگیری در ارتباط نیستند اما توسعه فعالیت های آنان به کاهش آمار بزهکاری منتهی می شود مانند مساجد و هیئت های مذهبی، کتابخانه ها در محلات، کانون های فرهنگی- هنری، آموزشگاه های کار و هنر، باشگاه های ورزشی و سایر نهادهایی که می تواند در جهت پر کردن اوقات فراغت جوانان و کاستن از فرصت های بزهکارانه سازمان دهی شود.

در برخی کشورهای توسعه یافته کمیته هایی محلی تشکیل شده تا به عنوان هدایت کننده و هماهنگ کننده و مرجعی برای تهیه اطلاعات مربوط به جرم و بزهکاری عمل نمایند. این کمیته ها عامل کمک کننده برای ترغیب نهادهای ملی جهت انجام کار و هماهنگ کردن نهادهای داوطلب و بخش دولتی عمل می نماید. تاکید قابل ملاحظه بر این امر است که به انجمن های محلی اختیار داده شود تا به اتفاق یکدیگر کیفیت زندگی خود را تعیین کنند. این کمیته ها که به کمیته های چند عاملی معروفند باید مقامات محلی را در بسیج مشارکت محلی ترغیب نمایند. ترکیب کمیته های مزبور متشکل از اعضای از طرف قوه قضائیه، پلیس، اتحادیه های تجاری کارگزاران دولتی محلی و برخی از ساکنان محلی است که معمولاً مسئول شناسایی مناطق دارای مشکل و اتخاذ روش مشترکی برای تنظیم راهبردهای مداخله و پیشگیری، هماهنگ کردن تدابیر پیشگیری از وقوع جرم و برنامه ریزی برای گروه های خاص در معرض خطر می باشند (گراهام، ۱۳۷۹: ص ۱۲۷)

## ۳- ایجاد هماهنگی و همگونی فرهنگی- اجتماعی

یکی از ویژگی های بارز زندگی شهری ناهمگونی اجتماعی آن است که ناشی از عوامل فرهنگی، ثبات، تخصص، مشغله فراوان و امثال آنها می باشد. جوامع شهری که در آن گروه های مختلف در کنار یکدیگر زندگی می کنند، کمتر دارای یکسانی و وحدت می باشند. در کنار سیاست کنترل جمعیت محله ها باید به طور اساسی به فکر سازمان دهی و ایجاد اهرم های کنترلی محله ای نیز بود و به هر نحو ممکن کنترل اجتماعی را در سطح محله ها گسترش داد.

دورکیم بر این باور بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی (نیروی کششی که افراد یک جامعه را به هم پیوند می‌دهد) قوی باشد، اعضای آن بیشتر محتمل است با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا شوند؛ ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی "رفتار مجرمانه" کشیده شوند. به بیان دیگر افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند، تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند؛ به عکس کسانی که از اجتماع بریده‌اند، ممکن است تمایل به نقض آن مقررات داشته باشند (ستوده، ۱۳۸۴: ص ۱۳۵).

سیاست جنایی اسلام با ترغیب روحیه برادری و برابری، حس مسئولیت در قبال جامعه و افراد، تکلیف همگان به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و توجه به امور همسایگان و بسیاری موارد مشابه، در صدد ایجاد همگونی و همبستگی فرهنگی و اجتماعی است تا افراد همواره خود را زیر ذره بین نگاه سنگین و مسئولانه اجتماع حس کنند و آسوده خاطر دست به ارتکاب جرم نزنند. در آموزه‌های اسلامی شمار بزرگی از آموزش‌ها و مقررات وجود دارد که تحت عناوین مختلف مردم را در مقابل یکدیگر مکلف و مسئول قرار داده تا اولاً از حال یکدیگر باخبر شوند و ثانیاً در حوائج یکدیگر بکوشند و در نهایت با مسئولیت‌پذیری از یکدیگر مراقبت نمایند به این ترتیب تعالیمی مانند ترغیب به انفاق، صله ارحام، عیادت مرضی، رفع حوائج مومنین، وقف یا احکام و مقرراتی مانند پرداخت عوارض و مالیات‌های مختلف (خمس و زکات) می‌توانند آثار غیر قابل انکاری در از بین بردن زمینه‌های اقتصادی ارتکاب جرم و پیشگیری از جرایمی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به فقر و عدم توزیع صحیح ثروت مربوط می‌شوند بر جا بگذارند. (حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۱۸).

### ب: مشارکت مردمی در امنیت محله

مشارکت مردم در سیاست جنایی حائز اهمیت فراوان است به گونه‌ای که آنان می‌توانند به عنوان یک اهرم عمده برای مشروعیت، حقانیت و کار آمدی طرح‌های مختلف پیشگیری باشند. بکار یا ضمن تاکید بر ضرورت مشارکت مردم در تامین امنیت می‌گوید: «می‌خواهید از وقوع جرم پیشگیری کنید، بکوشید تا قوانین، روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود» (بکاریا، ۱۳۷۴: ص ۱۴۷).

سیاست جنایی مشارکتی در سطح محله امری است که امروزه در پژوهش‌ها بیشتر مورد توجه واقع شده است. اقداماتی چون مراقبت همسایگان، تامین نگهبان محله، نهاد امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی اسلام و بسیاری از نمونه‌ها و مصادیق دیگر نشانگر امکان مشارکت مردمی در تامین امنیت محله‌ها می‌باشد که هر کدام در مباحث مربوط به جای بحث و بررسی فراوان دارد.



حساسیت و قبول مسئولیت افراد در همه جوامع و نسبت به همه جرایم یکسان نیست و این تفاوت در برخورد به عوامل مختلفی بستگی دارد که تاثیر نهادهای قدرت در جامعه به ویژه با استفاده از تاثیر رسانه‌ای عامل بسیار مهم و قابل بررسی است. اثر رسانه‌ها از نظر کیفیت شکل دادن به تعریف کلی جرم در جامعه دارای تاثیر فوق العاده و شگرف است. نمونه این نوع اثرگذاری را به خصوص در این بعد می‌توان دید که آن چه رسانه‌ها در برنامه‌های تحلیلی و واقعی خود ارائه می‌دهند عمده‌تاً جرم را در قالب نوعی جرم خیابانی معرفی می‌کنند، مفهومی که با ایجاد رعب و وحشت در میان افراد جامعه گره خورده است و خشونت رکن عمده آن به حساب می‌آید. در همین حال جرم‌هایی مانند تخریب محیط زیست، جرایم اقتصادی، جرایم یقه سفیدها، جرایم شغلی و بهداشتی، با این شدت و گستردگی در معرض برخورد و توجه رسانه‌ها قرار نمی‌گیرد و در نتیجه حساسیت و توجه جامعه نیز به تبع آن کمتر خواهد بود (Whie, 2002, p10).

### ج: تقویت روابط همسایگی

تقویت روابط همسایگی از آن جهت که فرد در غیاب همسایه می‌تواند محافظت و نظارت خوبی بر آماج‌ها به حساب آید یکی از راهبردهای پیشگیری وضعی است. در سیاست جنایی اسلام موضوع همسایگی بسیار مؤکد مورد توجه قرار گرفته و محافظت از همسایه و اموال او از جمله حقوق وی شمرده شده است. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام آمده است: «حق همسایه آن است که در غیابش او را حفظ کنی، در حضورش او را گرامی بداری و هنگام بزه‌دیدگی و ستم به او، وی را یاری کنی» (حلی، ۱۴۰۵: ص ۶۲۹). یکی از معروف‌ترین برنامه‌هایی که اخیراً در این خصوص تدوین شده و موضوع همسایگی را به طور ویژه مد نظر قرار داده برنامه معروف به «سه بزرگ» است که در سه مرحله «نظارت همسایگان»، «عملیات شناسایی» و «تحقیقات امنیتی» طراحی شده و فعالیت‌های خود را در محورهای تعیین شده سامان داده است. از مردم خواسته می‌شود که مواظب رفتارهای مشکوک باشند و آن‌ها را به پلیس گزارش دهند و نسبت به اوضاع و احوال مربوط به سایر همسایگان حساسیت داشته و مراقبت نمایند (داوری و سلیمی، ۱۳۸۰: ص ۷۰۲).

### نتیجه‌گیری

ضرورت توسل به تدابیر پیشگیرانه وضعی واقعیتی انکارناپذیر است که به ویژه در جوامع شهری با ویژگی‌های ذکر شده اجتناب‌ناپذیر است. از آن جا که در پیشگیری اجتماعی اشراف و احاطه بر همه علل و عوامل جرم‌زا وجود ندارد به علاوه در پیشگیری کیفی نیز در طول قرن‌ها ثابت گردیده روش سرکوب گر تنها نوشداروی حل معضل بزهکاری نیست، در نتیجه

به این دیدگاه تلفیقی می‌رسیم که هر کدام از شیوه‌های پیشگیری در جای خود ارزشمند است و می‌بایست به کار گرفته شود. پیشگیری وضعی بر خلاف دو روش دیگر نه صرفاً به علل و عوامل جرم‌زا می‌پردازد و نه به صورت واکنشی در مقابل جرایم ارتکاب یافته ظاهر می‌شود بلکه به دنبال آن است تا امکان ارتکاب جرم را از کسانی دارای قصد و انگیزه مجرمانه هستند سلب یا وقوع جرم را پر خطر و دشوار نموده و یا با کاستن از جاذبه‌های مجرمانه از تحریک انگیزه‌های مجرمانه جلوگیری نماید.

بر اساس آمارها و تحقیقات به عمل آمده میزان جرایم شهری حتی به نسبت جمعیت از جرایم غیر شهری بالاتر است و هیچ تردیدی در این امر وجود ندارد. در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که بالا بودن نرخ جرایم شهری محصول ساختار اجتماعی و فیزیکی شهرهاست؛ لذا می‌توان با کنترل روند تحولات شهری از بحرانی‌تر شدن اوضاع جلوگیری نمود و نرخ جرایم شهری را به شدت کاهش داد. تغییر وضعیت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی در راستای کاهش فرصت‌های مجرمانه مانند ایجاد همگونی و هماهنگی فرهنگی، تقویت روابط همسایگی، ایجاد حس مسئولیت نسبت به امور امنیتی در محله‌ها، ایجاد نهادهای امنیتی محلی و امثال آن‌ها می‌تواند اقدامات پیشگیرانه وضعی موثری به حساب آید. در خصوص شرایط و موقعیت‌های فیزیکی نیز ایجاد تحول در معماری شهری، جلوگیری از گسترش بی‌رویه عمودی و افقی شهرها، ایجاد شهرها و شهرک‌های کوچک جهت پیشگیری از افزایش غیر منطقی جمعیت شهرهای بزرگ، روشن کردن کوچه‌ها و خیابان‌ها و سایر فضاهای عمومی، مبارزه با پدیده حاشیه‌نشینی، تسطیح مخروبه‌ها، کنترل برخی اماکن خاص با دوربین‌های مداربسته و هزاران مورد از تدابیر مشابه می‌تواند به کنترل بزهکاری شهری کمک کند.

سیاست جنایی بسیاری از کشورها اخیراً بر مشارکت مردمی در کنترل بزهکاری تمرکز بیشتری یافته و استفاده از نیروهای غیررسمی در مبارزه با پدیده مجرمانه مورد توجه بیشتر قرار گرفته است. در شیوه‌های پیشگیری وضعی نیز استفاده از قابلیت‌های محلی از جمله تشکیل نگهبان محله، ایجاد حساسیت بیشتر در افراد نسبت به شرایط محله خود و به طور کلی مسئولیت انسان در مقابل هم‌نوعان خود که در سیاست جنایی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر بر اساس آن بنا نهاده شده امری است که توسعه آن به رفع معضل بزهکاری کمک شایانی خواهد کرد.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴.ق.

۲. اشراقی، محمود، (۱۳۸۳)، *بررسی علل و عوامل بزه دیدگی در خانواده*، مجموعه مقالات «بزه دیدگان» انتشارات نقش مانا، اصفهان.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۴۱۴)، *المحاسن*، دار الکتب الاسلامیه.
۴. بوئر، آلن و روفر، آگزیویه، (۱۳۸۲)، *خشونت و ناامنی شهری*، انتشارات مجد، تهران.
۵. بکاریا، سزار، (۱۳۷۴)، *جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمد علی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، (۱۴۰۹)، *السنن الکبری*، ج ۵، دارالمعرفه.
۷. پرفیت، آلن، (۱۳۷۸)، *پاسخ‌هایی به خشونت*، ترجمه مرتضی محسنی، انتشارات گنج دانش.
۸. پیز، کن، (۱۳۸۳)، *جایگاه پیشگیری نخستین از جرم در انگلستان*، ترجمه مهدی صبوری پور، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، تابستان.
۹. تمیمی آمدی، (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، با شرح جمال الدین محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴)، *وسایل الشیعه*، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. حسینی، سید محمد، (۱۳۸۴)، *میزگرد پیشگیری از جرم*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
۱۲. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، *الجامع للشرایع*، انتشارات مؤسسه سید الشهداء، قم.
۱۳. حلی، ابن الفهد، (۱۴۱۱)، *المهذب البارع*، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۱۴. دانش، تاج زمان، (۱۳۷۸)، *دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی*، نشر میزان، تهران.
۱۵. داوری، محمد و سلیمی، علی، (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی کجروی*، انتشارات حوزه و دانشگاه، تهران.
۱۶. دورکیم، امیل، (۱۳۶۹)، *اصل تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، انتشارات کتاب سرای بابل، تهران.
۱۷. ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۴)، *آسیب شناسی اجتماعی*، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ پانزدهم.
۱۸. صفاری، علی، (۱۳۸۱)، *مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم*، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۳-۳۴.
۱۹. علامه هندی، علاءالدین بن حسام الدین، (۱۴۰۹)، *کنز العمال*، ج ۵، مؤسسه الرساله، بیروت.
۲۰. کورا، چارلز، (۱۳۸۴)، *شهر نشینی در جهان سوم*، ترجمه فریبا قرایی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
۲۱. کی نیا، مهدی، (۱۳۷۴)، *جرم شناسی*، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. گلپایگانی، محمد رضا، (۱۴۱۳)، *حول مسائل الحج*، انتشارات دارالقران الکریم، قم.
۲۳. گسن، ریمون، (۱۳۸۵)، *تحول سیاست پیش گیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲*، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
۲۴. گراهام، جان، (۱۳۷۹)، *پیشگیری از جرم در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی*، ترجمه مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه تهران، پلی کپی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، ج ۲۱، انتشارات مؤسسه الوفا، بیروت.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۶)، *میزان الحکمه*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۲۷. ولد، جرج، (۱۳۸۰)، *جرم شناسی نظری*، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، تهران.
۲۸. هانفی اردکانی، حسین، (۱۳۸۱) *مسائل و جرایم مالی و اقتصادی سرقت*، مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، جلد ششم، انتشارات آگاه.

## ب- خارجی

- 1-Burrows-J, "Closed circuit television and crime on London underground", In Clarke-R.V.Grand Mayhew-P.(eds.)Designingout.crime.London,HMSO,1980.
- 2-Bennet-T.W and Wright-R, "Burglary on burglary :prevention and the offender, Farnborough,Gower, 1984.
- 3-Clarke-Ronald, **Theoretical Back ground to Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) and Situational Prevention**, Australisan Institute of Criminology, Sydeny, June1989.

- 4- Hope-T, "**council tenant and crime**", Reserch bulletin No.21.London:Home office Reserch and planning unit,1986.
- 5- Krohn-Marvin.D, **A Durkheimian Analysis of international crime Rates**, Social Forces ,1978.
- 6- Newman - Oscar, **Defencible space, Crime prevention through urban design** , New york . Macmillan,1999.
- 7- Poyner-A and Webb-B, "**Succesfull Crime Prevention case studies**", London Tavistock Institute of Human Relatios, document, No.2T563, 1987.
- 8-Row- David, Osgood- wayne and Nicewander- Alan, "**A Later Trait Approach to unifying Criminal career**", Criminalogy , 1990.
- 9- Row- David, Osgood- wayne and Nicewander- Alan, " A Later Trait Approach to unifying Criminal career", **Criminalogy** , 1998.
- 10-Shaftoe- Henry, **Crime Prevention** Facts, Fallicies and the Future, Palgrave macmilan, L.t.d, 2001.
- 11- Wilson-J.Q and Kelling-G.L, "**Broken windows:the police and neighbourhood safety**", The Atlantic Monthly , 1982.
- 12-Whie R -Hains, **crime and criminology**: an introduction Melborne, Oxford university Press, 2002.